

## خدمت سربازی حرفه‌ای از منظر قرآن و نهج البلاغه

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۸/۲۰	حبیب الله حلیمی جلودار <sup>۱</sup>
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۰۳	عزت الله پاتیار <sup>۲</sup>
صفحات مقاله: ۲۰۰ - ۱۷۳	

### چکیده:

دفاع و حفظ امنیت، در زمره‌ی نخستین وظایف حکومت قلمداد می‌شود. دولت‌ها برای انجام این وظیفه‌ی خطیر از شیوه‌های گوناگونی در تأمین و آموزش نیروی انسانی استفاده می‌کنند که خدمت سربازی، رویه‌ای مرسوم یا سابقه‌ای دیرینه در این جهت است. با وجود این، تاریخچه‌ی خدمت سربازی در اسلام، یکی از موضوعاتی است که هنوز به آن پاسخ روشنی داده نشده است. این‌که نظر اهل بیت<sup>(ع)</sup> درباره‌ی خدمت سربازی به شکلی که هم‌اکنون در کشور ما اجرا می‌شود، چه بوده است؟ و آیا چنین چیزی اساساً «مقدس» هست یا خیر؟ همواره بی‌پاسخ مانده و یا با پاسخ‌های کلی و مبهم مواجه شده است. بنابراین، این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته؛ در پی تبیین این مسأله بر اساس آیات قرآن و همچنین گفتار حضرت علی<sup>(ع)</sup> در نهج‌البلاغه می‌باشد. از دیدگاه حضرت علی<sup>(ع)</sup>، لشکریان و سربازان، دژهای محکم ملت و راه‌های تحقق امنیت هستند و ملت جز با تکیه بر آنها نمی‌تواند بر پای خود بایستد. حقیقت نیروهای مسلح در کلام حضرت علی<sup>(ع)</sup> به‌عنوان اولین و اساسی‌ترین عامل ایجاد و بسط امنیت تجلی یافته است. از این رو، آن بزرگوار، شرایط و ویژگی‌هایی برای لشکریان و سربازان بیان می‌دارند که موضوع بحث مقاله‌ی پیش رو را تشکیل می‌دهد.

\* \* \* \* \*

### واژگان کلیدی

خدمت سربازی، قرآن کریم، سربازی حرفه‌ای، نهج‌البلاغه.

۱ - استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران.

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران.

## مقدمه

در سال‌های اخیر، خدمت سربازی هم از نظر اجتماعی و هم از نظر امنیتی و دفاعی، موضوع مهم و مطرحی در سطح جامعه و نهادهای حکومتی بوده است. از یک سو، وضعیت کشور به لحاظ شرایط امنیت و تهدیدها، نیازمند وجود نیروهای نظامی آماده است و رهنامه‌ی دفاعی ما نیز تا حدود زیادی متکی به نیروی انسانی است، بر همین اساس، عده‌ای معتقدند سربازی حتی به شکل کنونی، بخش قابل توجه و ضروری نیروهای مسلح را تأمین می‌کند و باید هم‌چنان وجود داشته باشد؛ اما از سوی دیگر، شرایط اجتماعی و اقتصادی، باعث شده است تا جوانان به دنبال حضور سریع‌تر در جامعه باشند و تمایل کم‌تری به سربازی نشان دهند. در چنین فضایی، برخی از کارشناسان معتقدند که سربازان غیرحرفه‌ای، کارآمدی لازم را در جنگ نداشته باشند. هم‌چنین در شرایط حاضر، نیاز جدی به این همه سرباز وجود ندارد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، موضوع نیروهای مسلح از نظر اعتقادی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا مبنای حکومت ایران، اعتقادات اسلامی است و یکی از تفاوت‌های اساسی حکومت اسلامی با سایر نظام‌های سیاسی، امور نظامی آن است. دیدگاه اسلام نسبت به دفاع و جهاد، زیربنای ساختار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. بر اساس عقاید اسلام، امور نظامی منحصر به ارگان و یا افراد خاصی نیست، بلکه عموم مردم وظیفه دارند تا برای حفظ و حراست از اسلام و مرزهای حکومت اسلامی بکوشند. در حالی که در غالب کشورها این امر به عنوان شغل برای گروهی از مردم یا با دیدی آرمانی‌تر، به عنوان یک امر ملی و با انگیزه‌ی میهن‌پرستی و وطن‌دوستی تلقی می‌شود، در اسلام از منظری بالاتر و والاتر به عنوان یک وظیفه‌ی الهی محسوب می‌گردد.

به جرأت می‌توان مدعی شد که در هیچ نظام و مکتب و آئینی، وجوب دفاع از شریعت، کشور، مردم و حقوق فردی و اجتماعی، به اندازه‌ی اسلام مطرح نشده است تا آنجا که «جهاد» را حتی به شکل «قتال» یعنی جنگ سرد و یا جنگ نرم، بر همه واجب کرده است؛ به گونه‌ای که می‌فرماید: "إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُيُوتًا مَرُوضًا"؛ (در حقیقت

خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف چنان‌که گویی بنایی ریخته شده از سرباند (محکم و غیرقابل نفوذاند) جهاد می‌کنند. (صف/۴) بدیهی است که تحقق این اهداف و احکام، جهاد در راه خدا، تجمیع تمامی قوای انسانی و ابزاری نظامی، ایجاد یک تشکّل منسجم و محکم (بُنیاناً مَرصُوصاً)، در تشکیل ارتش و سپاه محقق می‌گردد و یک واجب عقلی، شرعی و منطقی است که اگر نباشد، فقط اهداف دشمنان محقق می‌شود و سلطه بر مسلمانان برای شان آسان می‌گردد.

البته درباره‌ی کیفیت تشکیل این ارتش و سپاه که ارگان نظام وظیفه‌ی عمومی هم بخشی از آن می‌باشد، در قرآن کریم و نهج البلاغه ویژگی‌ها و شرایطی بیان شده است که پس از بیان تاریخچه‌ای مختصر درباره‌ی خدمت سربازی در برخی از کشورهای دنیا، به بیان آن می‌پردازیم.

#### نگاهی به تاریخچه‌ی خدمت سربازی حرفه‌ای در جهان

واژه‌ی انضباط (discipline) که در اصل به معنای فرآیند یادگیری است، در قرن هفدهم به آموزش نظامی و رفتاری کنترل‌شده اطلاق می‌شد که این آموزش را به‌وجود آورد. شکل‌های استاندارد شده‌ی سازمان نظامی پیش از همه در ارتش هلند پدید آمد و سپس به سرعت به سراسر اروپا راه یافت. موریس شاهزاده اورانژ در قرن شانزدهم نخستین آکادمی نظامی را در اروپا تأسیس کرد. آموزه‌های او بعدها در سراسر قاره‌ی اروپا به روش استاندارد در آمد. او یونیفورم و لباس‌های یکسان، قدم‌روی منظم و پا برداشتن افراد و دایر کردن خطوط فرماندهی را ابداع کرد. بدین ترتیب، ارتش‌ها مدلی برای توسعه‌ی بوروکراسی در خدمات اداری و سازمان‌های دیگر به‌وجود آوردند. از این دوران، ارتش‌های ثابت بزرگ که افراد در آن می‌توانستند یک دوره‌ی خدمت حرفه‌ای را طی کنند، به‌صورت ویژگی عمده‌ی جوامع امروزی در آمدند. (گیدنز، ۱۳۷۴ش: ۳۷۴)

فرآیند حرفه‌ای شدن در ارتش‌های نوین، با کادر افسری آغاز شد. افسران تا اوایل قرن نوزدهم، معمولاً از طبقه‌ی اشراف یا مزدور بودند. برای دسته‌ی اول (اشراف) جنگ هنوز

نوعی سرگرمی اما برای دسته‌ی دوم (مزدور) فعالیتی برای سود و منفعت مادی محسوب می‌شد. افسران مزدور گوش به فرمان هر فرمانده‌ای بودند که به آنها پول می‌داد. اصلاحات نظامی دولت پروس در اوایل قرن نوزدهم گامی دیگر برای حرفه‌ای کردن ارتش بود. برای استخدام افسران، سیاست گزینش آشکار، انتخابات کتبی و معیارهای منظم ترفیع برقرار شد. همه‌ی کشورهای بزرگ اروپایی، ایالات متحده و روسیه تا سال ۱۹۰۰ میلادی، مدارس آموزش نظامی را با استفاده از شیوه‌های گزینش و ترفیع بوروکراتیک دایر کردند. در این دوران، افزون بر افسران، بخشی دیگری از کادرهای مورد نیاز ارتش برای دوره‌های معین زمانی استخدام می‌شدند، اما منبع اصلی تأمین سربازان، کماکان نظام وظیفه‌ی اجباری بود.

وقوع دو جنگ جهانی در نیمه‌ی نخست قرن بیستم به تداوم نظام وظیفه و در مواردی احیای آن در جهان کمک کرد، اما با پایان جنگ جهانی دوم به تدریج حرکت به سوی ارتش‌های کاملاً حرفه‌ای آغاز شد. بریتانیا نخستین کشوری بود که از خدمت وظیفه‌ی اجباری فاصله گرفت. در آمریکا، خدمت نظام وظیفه پس از پایان جنگ ویتنام لغو شد. در واقع، اگر پیش از این تمایل و آمادگی برای شرکت در جنگ، زمینه و مقدمه‌ی اجباری کردن نظام وظیفه بود؛ اینک تجربه‌ی جنگ، مطالعه‌ی رفتار، هزینه و فایده‌ی نظام وظیفه و تغییر علایق امنیتی و راهبردهای آمریکا، این کشور را به سوی تشکیل ارتش حرفه‌ای سوق داد. دولت فرانسه برنامه‌ی حرفه‌ای کردن ارتش را از سال ۱۹۹۶ در دستور کار خود قرار داد. مطابق این طرح، سربازگیری به تدریج متوقف و ارتش پانصد هزار نفری فرانسه به ۲۶۰ هزار نفر کاهش یافت. در ۲۷ ژوئن ۲۰۰۱ خدمت سربازی به طور کامل در فرانسه لغو شد. (دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲، الف: ۸) در سال ۱۹۹۹ در میان ۲۰ ارتش پر تعداد جهان، تنها نام شش کشور توسعه‌یافته دیده می‌شد. نیمی از کشورهای جهان، در سال ۲۰۱۰ نظام وظیفه‌ی اجباری ندارند. اینها شامل کشورهایی هستند که نظام وظیفه را لغو کرده و یا اساساً از بدو استقلال نظام وظیفه نداشتند. در بین اینها، کشورهایی پیشرفته هم‌چون ایالات متحده، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، استرالیا، کانادا، ژاپن و نیز کشورهای در حال توسعه هم‌چون اردن، مالزی، قرقیزستان، پاکستان، قطر و عربستان دیده می‌شوند. در برخی از کشورها از جمله

اسپانیا، دانمارک، استونی، چک، فنلاند، نروژ و لهستان از سربازان وظیفه در قسمت‌های غیررزمی یا خدمات غیرنظامی استفاده می‌شود. (سینائی، ۱۳۹۰: ۲۰۳)

کرواسی یکی از آخرین کشورهایی است که نظام وظیفه‌ی اجباری را لغو کرده است. بر اساس مصوبه‌ی مجلس کرواسی از اوایل ژانویه‌ی ۲۰۰۸ خدمت داوطلبانه، جایگزین خدمت شش ماهه‌ی اجباری شد. لغو نظام وظیفه در این کشور با طی مراحل عضویت در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) همزمان بود. (پایان نظام وظیفه‌ی اجباری در کرواسی، ۱۳۸۶/۱۲/۲ به نقل از سینائی، ۱۳۹۰: ۲۰۳)

با وجود روی آوردن بسیاری از کشورهای جهان به ارتش حرفه‌ای و لغو نظام وظیفه، در برخی از کشورهای جهان نظام وظیفه‌ی عمومی و اجباری کماکان برقرار است، اما در عمل هر چه می‌گذرد بر دامنه‌ی معافیت‌ها، تسهیلات و پیش‌بینی انواع دیگر خدمات عمومی و عام‌المنفعه به‌جای خدمت اجباری در ارتش افزوده می‌شود. در آلمان با وجود آغاز روند حرفه‌ای کردن ارتش از سال ۱۹۹۲، خدمت عمومی سربازی حذف نشده، اما مدت آن را از ده ماه به نه ماه کاهش و تسهیلات قابل توجه به‌ویژه در ارتباط با حقوق مشمولان برقرار کردند. در این کشور حقوق مشمولان، قابل توجه و حقوق مشمولان متأهل ۹۰ درصد میزان درآمد آنها پیش از شروع خدمت وظیفه است. مشمولان می‌توانند خدمت خود را به دلایل مختلف مانند دانشجوی بودن، زندگی در خارج، در انتظار کودک بودن و یا بروز مشکلات شدید برای آنها به تعویق بیندازند و در مواردی چون بچه‌دار شدن، انجام خدمت داوطلبانه برای توسعه و یا کشیش شدن می‌توانند خواستار معافیت شوند. (طالقانی، ۱۳۸۱ش: ۴۳) در فرانسه، پس از جنگ خلیج فارس و در دورانی که هنوز خدمت وظیفه‌ی عمومی جریان داشت، به خدمت گرفتن سربازان عادی در مأموریت‌های خطرآفرین خارج از کشور ممنوع و شرکت در این مأموریت‌ها تنها بر عهده‌ی سربازان حرفه‌ای بود.

در برخی از کشورها با وجود ادامه‌ی نظام وظیفه، طول مدت خدمت بر حسب سطح تحصیلات متفاوت است و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها برای مدت کوتاه‌تر به خدمت وظیفه اعزام یا

اساساً از خدمت و وظیفه معاف می‌شوند. در ترکیه دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، تنها هشت ماه خدمت می‌کنند، حال آن‌که مدت خدمت افراد بی‌سواد سه برابر آنهاست. در روسیه مدت خدمت فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها به یک سال کاهش یافته است. در چین هم‌همی پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و حتی کسانی که پس از دبیرستان شغل مناسب و مفید داشته باشند، از خدمت سربازی معاف می‌شوند. (گروه مطالعات سربازی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۲، ص ۸، به نقل از سینائی، ۱۳۹۰: ۲۰۴)

### عوامل روی آوری به سربازی حرفه‌ای

عوامل روی آوردن کشورها به ارتش حرفه‌ای متنوع و متعدد است. برخی از این عوامل خاص یک یا چند کشور می‌باشد. در کشورهای هند و پاکستان جمعیت زیاد و درآمد سرانه‌ی اندک اساساً از بدو استقلال ضرورت برقراری نظام وظیفه‌ی عمومی و اجباری را منتفی ساخته است. نیروهای مسلح در این کشورها با پرداخت حقوق، نیروی انسانی مورد نیاز خود را از میان خیل داوطلبان موجود بر می‌گزینند. در کشور پر جمعیتی مانند چین نیز هرچند خدمت وظیفه‌ی اجباری وجود دارد، اما به شرحی که گفته شد، معافیت‌های گسترده، جامعیت و اجباری بودن نظام وظیفه را کمرنگ و عملاً تحت‌الشعاع قرار داده است. دست‌کم یک عامل مهم ارائه‌ی این معافیت‌های گسترده، جمعیت فوق‌العاده زیاد و وجود نیروی انسانی موردنیاز و حتی بیش از حدنیاز در میان بخشی از مشمولان است. در برخی از کشورها کاملاً برعکس، جمعیت اندک و درآمد سرانه‌ی زیاد باعث شکل نگرفتن نظام وظیفه و روی آوردن به ارتش‌های حرفه‌ای و مزدور شده است. نمونه‌ی بارز این دسته، کشورهای عربی جنوب خلیج فارس هستند. این کشورها که بیش‌تر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ استقلال یافتند، فاقد نظام وظیفه‌ی اجباری هستند و منابع انسانی نیروهای نظامی خود را به پشتوانه‌ی درآمدهای نفتی با استخدام نظامیان و سربازان بیش‌تر غیربومی تأمین می‌کنند.

البته در میان کشورهایی که پیش از این دارای نظام وظیفه‌ی اجباری بوده و سپس برای تأمین نیروی انسانی سازمان‌های نظامی خود به خدمت داوطلبانه و حرفه‌ای روی آورده‌اند، تحوّل در فناوری‌های نظامی عامل شایعی است که به بی‌نیازی از نیروهای غیرحرفه‌ای انبوه و

ناتوانی و ناکارآمدی این نیروها در راهبردها و جنگ‌های نوین منجر شده است. به عبارت دیگر، این عامل به صورت قهری بر کیفیت و کمیت نیروی انسانی مورد نیاز نیروهای مسلح این کشورها و سیاست جذب آنها اثر گذاشته است.

دوری جستن بریتانیا از خدمت وظیفه‌ی عمومی و لغو آن در ارتباط مستقیم با دگرگونی در سیاست نظامی این کشور بود. بریتانیا نخستین کشوری بود که تلاش کرد تا بمب اتمی بسازد، اما کم‌تر بودن مخاطرات و بیش‌تر بودن منابع در ایالات متحده باعث شد که این فعالیت‌ها در دوران جنگ جهانی دوم به آمریکا انتقال یابد. در سال ۱۹۵۷ بزرگ‌ترین دگرگونی در سیاست نظامی در شرایط عادی اعلام شد. در راهبرد جدید، سیاست نظامی جدید بریتانیا مبتنی بر یک تشکیلات نظامی نسبتاً کوچک، همراه با در اختیار داشتن سلاح‌های هسته‌ای بود. به دنبال گزینش این راهبرد، خدمت نظام وظیفه‌ی اجباری لغو شد. تعداد نیروهای مسلح به نصف کاهش یافت و برنامه‌هایی برای تجهیز هر سه نیرو با سلاح‌های هسته‌ای به اجرا درآمد. (کیدنز، ۱۳۷۴: ۳۷۹)

جنگ جهانی دوم را پایان جنگ‌های مدرن و سرآغاز جنگ‌های پست‌مدرن نامیده‌اند. جنگ‌های مدرن از دهه‌ی نخست سال ۱۵۰۰ میلادی شروع شد و تا اواسط قرن بیستم ادامه پیدا کرد. جنگ پست‌مدرن اگرچه با جنگ مدرن بی‌ارتباط نیست، اما تفاوتش آن قدر است که عنوان «پست‌مدرن» بر آن نهاده شود. مهم‌ترین تفاوت به جایگاه و نقش اطلاعات، رایانه‌ها و تجهیزات چندرسانه‌ای و سایبرنتیک در جنگ‌های پست‌مدرن باز می‌گردد. جنگ سایبرنتیک دارای سه مؤلفه‌ی متمایز است: اتکا به شیوه‌های علمی اداره‌ی جنگ، عنصر اطلاعات و تفسیر آن و سرانجام تأکید بر نقش و جایگاه رایانه و قابلیت آن در پشت سر گذاردن مرزهای مرسوم زمانی و مکانی. (گری، ۱۳۸۱: ۴۶-۴۵).

همان‌طور که جنگ مدرن به سربازان مدرن احتیاج داشت، جنگ پست‌مدرن نیز به سربازانی با مزایای نظامی جدید نیاز دارد که بتوانند پاسخگوی ملزومات شگفت‌انگیز جنگ متکی به فناوری عالی باشند. یک بخش از کار قالب‌ریزی این سربازان جدید، بر عهده‌ی امور

استخدامی و بازاریابی‌ای است که در پیوندی متزلزل با مقررات و جامعه‌ی نظامی سنتی قرار دارد، اما از زاویه‌ای دیگر، این جنگ‌افزارها هستند که در حال ساخت سربازان امروز و فردا هستند. (گری، ۱۳۸۱: ۳۳۹) سلاح از دیرباز نقش اساسی و مهمی در جنگ ایفا کرده است، اما امروزه سرباز از سلاحی که به‌کار می‌برد، تأثیر نمی‌پذیرد، بلکه اکنون سرباز را به‌گونه‌ای مورد تجدید ساخت و تجدید برنامه‌ریزی قرار می‌دهند که به‌صورت یکی از اجزای تشکیل‌دهنده‌ی سیستم تسلیحاتی در می‌آید. اساساً در هر برهه از تاریخ با ظهور فناوری‌ها، واقعیت جنگ و نیز منابع انسانی آن شکل تازه‌ای به خود گرفته است. از آنجا که پیدایش سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیک و هوشمند موجب تلفات انسان می‌شود، تحقیقات گسترده‌ای نیز در زمینه‌ی حفاظت از سربازان به‌عمل آمده است. یکی از محصولات این تحقیقات تولید لباس بسیار سبکی است که سرباز آینده را روئین‌تن می‌کند. لباس‌های جدید شامل یک پوشش محافظت کاملاً فردی، شبکه‌ی رایانه‌ای و سامانه‌ی برق‌رسانی همراه هستند و عملکرد فردی را افزایش می‌دهند. پوشش‌های زرهی جلیقه‌های ضدگلوله‌ای که با استفاده از فناوری نانو ساخته می‌شوند، به فاصله‌ی شش تا هشت سانتی‌متر از سطح بدن قرار می‌گیرند و آسیب‌های ناشی از شلیک گلوله به‌سوی سرباز را به حداقل می‌رسانند. این سربازان را اف ۱۶‌های پیاده می‌نامند؛ چرا که تمام قابلیت‌هایی که یک هواپیمای اف ۱۶ در هوا می‌تواند به‌خلبان خود عرضه کند، در اختیار خواهند داشت. (دیده‌بان پایش فناوری و نوآوری نظامی، ۱۳۸۳: ۴۳)

#### تلاش‌های ملی و داخلی برای رفع موانع سربازی حرفه‌ای

همان‌طور که می‌دانیم، در جمهوری اسلامی ایران قانون نظام وظیفه‌ی اجباری به‌منظور تأمین نیروی انسانی لازم و ایجاد حس وفاداری ملی در مقابله با تهدیدات علیه استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی با پیشنهاد وزارت جنگ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. بر اساس این قانون، خدمت نظام وظیفه برای افراد ذکور اجباری اعلام گردید. پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، اصلاحات و بازنگری‌های متعددی صورت گرفت که مهم‌ترین آن قانون خدمت وظیفه‌ی عمومی مصوب ۱۳۶۳/۷/۲۹ است. اصلاحات متعددی نیز به این قانون در



سال‌های بعد از سوی مجلس شورای اسلامی صورت گرفت. فقدان پاسخگویی لازم این قانون و اصلاحات انجام‌شده در سایه فناوری پیشرفته در برخی تجهیزات و تسلیحات نظامی، رویکرد حرفه‌ای به نظامی‌گری و اهمیت آثار دوران خدمت نظام وظیفه در ابعاد مختلف از جمله آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روانی موجب شد که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با آگاهی از این ضرورت، اقدام به تشکیل دبیرخانه‌ی مطالعات نظام وظیفه از خرداد ۱۳۸۰ با همکاری و همیاری دستگاه‌های نظامی و با بهره‌جویی از چهره‌های آکادمیک به پژوهش درباره‌ی موضوعات مرتبط با نظام وظیفه بپردازد تا از این منظر به اصلاح، بازنگری و یا تکمیل قوانین و مقررات نظام وظیفه کمک کرده باشد. بر همین اساس، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در رابطه با اصلاح قانون خدمت نظام وظیفه طرحی تصویب کردند که شاید بتوان آن را حرکتی آهسته و مثبت در جهت نیمه‌حرفه‌ای کردن قوای نظامی محسوب کرد.

به موجب ماده‌ی ۱۱ این مصوبه، به‌منظور تأمین نیروی لازم در مواقعی که با کمبود نیروی وظیفه روبرو شویم، امکان جذب و استخدام مشمولان و یا سربازان از طریق سپردن تعهد پیمانی برای انجام ۵ سال خدمت نظامی و یا ۶ سال خدمت کارمندی بلامانع است. این ماده در صورت تحقق شرایط دیگر، می‌تواند قوای نظامی کشور را به‌صورت تدریجی به سمتی هدایت کند که زمینه‌های تشکیل ارتشی نیمه‌حرفه‌ای را فراهم کرده و در نهایت، تغییر ماهوی در نگرش سنتی قانون وظیفه‌ی عمومی را به‌وجود آورد. (کروبی، ۱۳۸۲: ۹)

### لزوم حرکت به سمت سربازی حرفه‌ای

آنچه در ادامه می‌آید، علت‌یابی کوتاهی است درباره‌ی ترجیح سربازی حرفه‌ای بر سربازی اجباری. بنابراین، در این مختصر به چند علت اشاره می‌شود:

۱) کوچک‌سازی ارتش‌ها و در مقابل، ارتقای سطح کیفی و حرفه‌ای آنها از طریق آموزش بهتر و تجهیزات پیشرفته‌تر نظامی یک روند جهانی است. صرفه‌جویی‌های اقتصادی بلندمدت نیز یک عامل مهم در کوچک‌سازی ارتش‌هاست. تبدیل ارتشی با نیروهای وظیفه، به ارتشی با نیروهای قراردادی، در ابتدا هزینه‌ی زیادی را می‌طلبد، اما در ادامه با توجه به

کوچک شدن ارتش، هزینه‌های سرباز و تأمین تسلیحات را کاهش می‌دهد، این حرفه‌ای‌گری و کوچک‌سازی - حتی بدون در نظر گرفتن مزیت‌های یک ارتش کارآمد - مقرون به صرفه خواهد بود.

۲) روند تحولات جهانی و ظهور تهدیدهای مداوم و جدید در برابر امنیت کشورها، نارسایی ارتش‌های سنتی و مبتنی بر نظام وظیفه‌ی اجباری را بیش از پیش نمایان می‌سازد. هم‌چنین توسعه‌ی فناوری‌های جدید و بروز تهدیدهای متنوع، لزوم یادگیری مداوم را برای نیروهای مسلح کشورها الزامی می‌کند. تحقق یادگیری مستمر و سطح بالا بر مبنای ارتشی متشکل از سربازان وظیفه‌مکن نیست.

۳) سربازان داوطلب و متناسب با نیازهای واقعی دفاعی بهتر می‌توانند آموزش‌های تخصصی لازم را ببینند و در نتیجه، سطح کیفی آموزش ارتقا می‌یابد و کارایی سربازان افزایش پیدا می‌کند.

۴) کشورهایی که بنا به دلایلی از جمله از لحاظ سیاسی، ساختاری و یا ژئوپلیتیکی، توانایی داشتن یک نیروی مسلح بزرگ را ندارند، و یا ضرورتی برای آن نمی‌بینند، به ایجاد یک نیروی احتیاط و ذخیره‌ی قابل اطمینان روی می‌آورند تا به‌عنوان مکمل نیروی فعال در شرایط نیاز عمل کنند. هم‌چنین در کشورهایی که دارای نظام وظیفه‌ی عمومی هستند، موضوع نیروهای احتیاط و ذخیره نیز مطرح است و این موضوع برای هر کشوری چه فقیر و چه غنی اجتناب‌ناپذیر است. هم‌چنین نیروهای احتیاطی که به‌خوبی آموزش و ساماندهی شده باشند، به‌عنوان یک راه‌حل ایده‌آل برای جبران کمبود نیروی انسانی ناشی از کاهش مدت خدمت نظام وظیفه، یا حتی حذف کامل آن در برخی کشورها طراحی شده است.

#### اهمیت خدمت سربازی در اسلام

##### لزوم حرفه‌ای شدن سربازی از منظر قرآن

قرآن کریم در آیات فراوانی به جهاد در مسیر حفظ شریعت، نوامیس و حیثیت انسانی تشویق و تحریض می‌نماید که در این مختصر به چند نمونه اشاره می‌شود: "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا

اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِّن دُونِهِمْ لَاتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ" (هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (هم‌چنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به‌وسیله‌ی آن، دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید! و (هم‌چنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه‌ی دفاعی اسلام) انفاق کنید، به‌طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد!) (انفال/۶۰)

"الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ" (آنها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جان‌های‌شان در راه خدا جهاد نمودند، مقام‌شان نزد خدا برتر است و آنها پیروز و رستگارند!) (توبه/۲۰)

"انْفِرُوا خِفَافًا وَ ثِقَالًا وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ" (همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید سبک‌بار باشید یا سنگین‌بار! و با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید!) (توبه/۴۱)

این‌که می‌فرماید نیرو آماده کنید و در راه خدا جهاد کنید و این‌که برای مبارزان در راه اعتلای شرافت انسانی درجات و فوز و رستگاری قائل است و نیز آنجا که افرادی به بهانه‌ی گرمای هوا می‌توانستند در جنگ شرکت کنند، اما خودداری می‌کردند: "فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ" (توبه/۸۱) همه و همه بیانگر تأیید سربازی به شکل حرفه‌ای است، زیرا اگر به‌صورت وظیفه و الزام می‌بود، خودداری از شرکت به بهانه‌ی گرمای هوا معنایی نداشت.

۱ - تخلف‌کنندگان (از جنگ تبوک)، از مخالفت با رسول خدا خوشحال شدند و کراهت داشتند که با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد کنند و (به یکدیگر و به مؤمنان) گفتند: «در این گرما، (به‌سوی میدان) حرکت نکنید!» (به آنها) بگو: «آتش دوزخ از این هم گرم‌تر است!» اگر می‌دانستند!

بنابراین، قرآن کریم دفاع از شرافت انسانی را به صورت داوطلبانه تأیید و تأکید می‌نماید، حال یا داوطلبانه‌ی بسیجی که تعریف خاص امروزی دارد و یا به صورت سربازی حرفه‌ای که آن هم امروز تعریف خاص خود را دارد، ولی آنچه یقینی است این است که قرآن به تمهید عده به صورت الزامی و وظیفه صحنه نگذاشته است.

موضوع فوق که در آیه‌ی شریفه آمده است، منحصر به جنگ تبوک و زمان پیامبر<sup>(ص)</sup> نیست، در هر جامعه‌ای گروهی تنبل یا منافق و طماع و فرصت‌طلب وجود دارند که همیشه منتظرند لحظات پیروزی و نتیجه‌گیری فرا رسد، آن‌گاه خود را در صف اول جا بزنند، فریاد بکشند، گریبان چاک کنند و خود را از نخستین مجاهدان و برترین مبارزان و دلسوزترین افراد معرفی کنند تا بدون زحمت از ثمرات پیروزی دیگران بهره ببرند! حتی امروزه که امر سربازی به صورت وظیفه و الزام قانونی در آمده است نیز عده‌ای از آن فرار می‌کنند؛ از این‌رو، اگر به صورت حرفه‌ای درآید، اولاً معضل «فرار از سربازی» برکنده خواهد شد. ثانیاً در زمان‌های ضروری - آن‌گاه که کشور هجمه‌ی بیگانگان قرار گرفت - با نگاه قرآن همه‌ی مسلمانان بر خود تکلیف می‌دانند که در صحنه‌ی دفاع از شرافت و ناموس کشور حضور یابند؛ هرچند که همیشه عده‌ای مثل زمان پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> از موقعیت سوء استفاده می‌کنند.

#### تجهیز به سلاح پیشرفته

هم‌چنان که بیان شد، اسلام اهمیت فراوانی برای صلح و ایجاد و تحکیم روابط مسالمت‌آمیز بین مردم قائل است؛ اما مفهوم آن، این نیست که از مجهز شدن به سلاح‌های پیشرفته و روزآمد غفلت ورزد و در تعامل با مخالفان خود، خوش باورانه بپندارد که آنها هرگز نگاه تعدی‌آمیز بر اسلام و مسلمانان نمی‌نمایند.

مسلمانان باید طبق تصریح قرآن کریم، در دایره‌ی رقابت‌های تسلیحاتی مجهز به سلاح روز شوند تا در مقام دفاع از خود، ناگزیر به استفاده شوند. بنابراین، تجهیز به سلاح‌های مدرن یک اقدام بازدارنده تلقی می‌گردد.

حال، بحث را به آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی توبه منوط کرده و پیام‌ها و نکات برآمده از آیه را بیان می‌کنیم:

"وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ ..."

کلمه‌ی "إعداد" به معنای تهیه‌کردن چیزی است تا انسان با آن چیز به هدف دیگری که دارد، برسد که اگر قبلاً آن را تهیه نکرده بود، به مطلوب خود نمی‌رسید، مانند فراهم آوردن هیزم و کبریت برای تهیه‌ی آتش و نیز مانند تهیه‌ی آتش برای طبخ. کلمه‌ی "قُوَّة" به معنای هر چیزی است که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می‌گردد، و در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان‌پذیر است، از قبیل انواع اسلحه و مردان جنگی باتجربه و دارای سوابق جنگی و تشکیلات نظامی. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹: ۱۱۴)

در آیه‌ی شریفه امر عامی به مؤمنان شده است که در قبال کفار به‌قدر توانایی‌شان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد، تهیه کنند. آنچه را کفار دارند و یا ممکن است تهیه کرده باشند، آماده سازند؛ زیرا مجتمع‌های انسانی با طبایع و افکار گوناگون تشکیل می‌شوند و هر یک برای حفظ منافع خود تلاش می‌کند؛ از این‌رو، دیری نباید که کارشان به اختلاف کشیده و علیه هم قیام می‌کنند و هر یک بر آن است تا دیگری را مغلوب کند و چون چنین است، به حکم فطرت بر جامعه‌ی اسلامی واجب است که همیشه و در هر حال تا آنجا که می‌تواند خود را مجهز کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹: ۱۱۴)

البته شاید گروهی نسبت به تجهیز شدن نیروهای مسلح به برخورداری از آخرین فناوری نظامی دنیا معترض باشند و هرگونه هزینه‌ای را از موارد اجحاف به بیت‌المال مسلمانان بدانند؛ اما این نوع نگرش تنها حکایت از نوعی تنگ‌نظری دارد؛ چرا که با توجه به پیشرفت‌های جهانی در عرصه‌ی تسلیحات نظامی همان‌گونه که بیان شد، ما برای بقا راهی جز این نداریم. رهبری معظم انقلاب نیز بارها و بارها از همان اوایل انقلاب تاکنون بر آن تأکید کرده‌اند: «بدون تجهیز کار دشوار خواهد بود... لذا مصمم هستیم تا مدرن‌ترین تجهیزات را برای نیروهای مسلح فراهم کنیم.» (روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۳۰ آبان ۱۳۳۸، شماره‌ی ۱۱: ۱۲)

گرچه کلمه‌ی "أَعِدُّوا" اصحاب پیامبر خدا<sup>(ص)</sup> و مسلمانان صدر اسلام را مورد خطاب قرار داده است، ولی این حکم از آن احکام اسلام می‌باشد که تا قیامت به قوت خود باقی خواهد بود. نظیر جمله‌ی "أَقِيمُوا الصَّلَاةَ" (نماز را به پا دارید) و جمله‌ی "كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ" (روزه گرفتن بر شما واجب شده است) و احکام دیگری که برای همیشه واجب خواهند بود. از سوی دیگر، چون شکی نیست که حفظ و حراست از اسلام و قرآن و جان مسلمانان از شرّ دشمن واجب است و از طرفی هم سلامتی آنها موقوف به سلاح و قوا و سرکوبی دشمن می‌باشد؛ بنابراین، کلمه‌ی "أَعِدُّوا" که امر برای وجوب است و چون برای وجوب می‌باشد، پس بر هر فردی از مسلمانان چه مرد و چه زن واجب و لازم است به هر نحوی و هر سلاحی که مقدور باشد، برای سرکوب دشمنان اسلام، قیام و اقدام نماید. چنان‌که تخلف کند، از دو نظر مسئول خواهد بود: یکی این‌که امر واجب و لازم خدا را تمرد نموده و دیگر این‌که خویشتن را به کشتن، یا اسیری داده است.

منظور از کلمه‌ی "مِنْ قُوَّةٍ" هر نوع سلاحی است که انسان به وسیله‌ی آن تقویت شود و بر دشمن حمله نماید. خواه نیزه و خواه موشک و ... به هر حال، هر نوع سلاحی که در هر مکان و زمانی ساخته شود و انسان بتواند آن را تهیه نماید، طبق معنای آیه‌ی مورد بحث، واجب و لازم است. شاید سبب به کار بردن کلمه‌ی "قُوَّةٍ" (نیرو) این باشد که شامل هر نوع اسلحه و نیروی جنگی و دفاعی که تا قیامت ساخته و آماده گردد، بشود؛ چون در زمان نزول قرآن بزرگ‌ترین مظهر و مصداق نیرو و قدرت جنگی، اسب‌های مخصوص و تمرین داده شده بوده است؛ بنابراین، در این آیه به آنها تصریح نموده است. از این رو، روایت شده که پیامبر اعظم<sup>(ع)</sup> آیه‌ی مورد بحث را تلاوت کرد و سه مرتبه فرمود: "أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِّيَّ" (آگاه باشید که حتماً منظور از قوت: تیراندازی است). (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴: ۸۵۲) مقصود از این تیراندازی بیان اهمیت آن و تأثیر آن در جنگ‌هاست. - اگرچه در آن زمان مفهوم کلمه‌ی «الرمی» که در حدیث فوق است، تیراندازی بوده که در آن زمان انجام می‌گرفته است، ولی نظر مبارک پیامبر<sup>(ع)</sup> از به کار بردن این کلمه، نوع تیراندازی نبوده، بلکه منظور آن بزرگوار مفهوم کلی و انواع و اقسام تیراندازی بوده است. به این معنا که کلمه‌ی «الرمی»، شامل تفنگ، فشفسه،

نارنجک، بمب ... و هر نوع سلاح که تاکنون ساخته و در آینده ساخته شود، می‌گردد؛ - بنابراین، مسلمانان به همراه پیامبر عالی‌قدر اسلام (ص) در جنگ خیبر از منجنیق استفاده نمودند و آن را مورد استفاده قرار دادند.

علی بن ابراهیم قمی نیز در تفسیر خود در ذیل آیه‌ی مورد بحث از معصوم (ع) روایت می‌کند که فرمود: «منظور از کلمه‌ی "قُوَّةٌ" سلاح می‌باشد.» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۷۹) بدیهی است که کلمه‌ی سلاح شامل هر نوع وسایل دفاعی و جنگی می‌گردد.

جمله‌ی "تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ" در ادامه‌ی همین آیه، نتیجه و ثمره‌ی جمله‌ی "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ" می‌باشد. ضمیر کلمه‌ی "بِهِ" به قولی به کلمه‌ی "مَا اسْتَطَعْتُمْ" برمی‌گردد. یعنی نتیجه‌ی آمادگی شما در مقابل دشمنان این است که دشمن خدا و دشمن خودتان را بیمناک نمایید، مبادا آنها جرأت کنند و بر شما بتازند و حق شما را به یغما ببرند. گرچه کلمه‌ی "تُرْهَبُونَ" به ظاهر مضارع و خبر است، ولی شاید بتوان گفت: در واقع امر و انشاء می‌باشد؛ یعنی باید دشمنان را بترسانید؛ باید شما مسلمانان دارای عظمت و ابهت همه‌جانبه باشید تا دشمن به سوی شما دست تعدی دراز نکند. (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۶: ۱۵۱-۱۵۰)

#### افزایش قدرت جنگی و هدف آن

در آیه‌ی مورد بحث به یک اصل حیاتی که در هر عصر و زمان باید مورد توجه مسلمانان باشد، اشاره می‌کند و آن لزوم آمادگی رزمی کافی در برابر دشمنان است.

نخست می‌گوید: «و در برابر دشمنان هر قدر توانایی دارید، از نیرو و قدرت آماده سازید» (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ)؛ یعنی در انتظار نمانید تا دشمن به شما حمله کند و آن‌گاه آماده‌ی مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حد کافی آمادگی در برابر هجوم‌های احتمالی دشمن داشته باشید.

سپس اضافه می‌کند: «و هم‌چنین به اندازه‌ی کافی اسب‌های ورزیده برای میدان جهاد فراهم کنید» (وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ)؛ در این جمله‌ی کوتاه یک اصل اساسی در زمینه‌ی جهاد

اسلامی و حفظ موجودیت مسلمانان، و مجد و عظمت و افتخارات آنها بیان شده است، و تعبیر آیه به قدری وسیع است که بر هر عصر و زمان و مکانی کاملاً تطبیق می‌کند.

کلمه‌ی "قُوَّة" کلمه‌ی کوچک و پر معنایی است، نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در برمی‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به‌نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد، دربر می‌گیرد، اعم از نیروهای مادی و معنوی. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۲۲)

بنابراین، علاوه بر این که باید از پیشرفته‌ترین سلاح‌های هر زمان - به‌عنوان یک وظیفه‌ی قطعی اسلامی - بهره‌گیری کرد، باید به تقویت روحیه و ایمان سربازان که "قُوَّة" و نیروی مهم‌تری است، پرداخت.

از قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی که آنها نیز در مفهوم "قُوَّة" مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارد نیز نباید غفلت کرد.

ولی افسوس که مسلمانان با داشتن یک چنین دستور صریح و روشنی، گویا همه چیز را به دست فراموشی سپرده‌اند، نه از فراهم کردن نیروهای معنوی و روانی برای مقابله با دشمن در میان آنها خبری هست، و نه از نیروهای اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و نظامی، و عجب این است که با این فراموش‌کاری بزرگ و پشت سر انداختن چنین دستور صریح، باز خود را مسلمان می‌دانیم، و گناه عقب‌افتادگی خود را به گردن اسلام می‌افکنیم و می‌گوییم اگر اسلام آئین پیشرفت و پیروزی است، پس چرا ما مسلمان‌ها عقب افتاده‌ایم؟!.

دریغ از این که اگر این دستور بزرگ اسلامی "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ" به‌عنوان یک شعار همگانی در همه‌جا تبلیغ شود و مسلمانان از کوچک و بزرگ، عالم و غیرعالم، نویسنده و گوینده، سرباز و افسر، کشاورز و بازرگان، در زندگی خود آن را به‌کار بندند، برای جبران عقب‌ماندگی‌شان کافی است.

سیره‌ی عملی پیامبر<sup>(ص)</sup> و پیشوایان بزرگ اسلام نیز نشان می‌دهد که آنها برای مقابله با دشمن از هیچ فرصتی غفلت نمی‌کردند، در تهیه سلاح و نفرات، تقویت روحیه‌ی سربازان، انتخاب محل اردوگاه، و انتخاب زمان مناسب برای حمله به دشمن و به‌کار بردن



هرگونه تاکتیک جنگی، هیچ مطلب کوچک و بزرگی را از نظر دور نمی‌داشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۲۴)

معروف است که در ایام جنگ «حنین» به پیامبر<sup>(ص)</sup> خبر دادند که سلاح تازه و مؤثری در «یمن» اختراع شده است، پیامبر<sup>(ص)</sup> فوراً کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند!

دستور مهم فقهی اسلام در زمینه‌ی «مسابقه‌ی تیراندازی و اسب سواری» که حتی برد و باخت مالی را در زمینه‌ی آن تجویز کرده، و مسلمانان را به این مسابقه دعوت نموده است، نمونه‌ی دیگری از بینش عمیق اسلام در زمینه‌ی آمادگی در برابر دشمن است.

نکته‌ی مهم دیگری که از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود، رمز جهانی و جاویدان بودن آئین اسلام است، زیرا مفاهیم و محتویات این آئین آن‌چنان گسترده است که با گذشت زمان به کهنگی و فرسودگی نمی‌گراید، جمله‌ی "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ" هزار سال پیش مفهوم زنده‌ای داشت، و امروز هم، چنین است، و ده هزار سال دیگر هم مفهوم آن هم‌چنان زنده باقی خواهد ماند، زیرا هر سلاح و قدرتی در آینده نیز پیدا شود، در کلمه‌ی جامع "قُوَّةٍ" نهفته است؛ چون جمله‌ی "مَا اسْتَطَعْتُمْ" «عام» و کلمه‌ی "قُوَّةٍ" که به صورت «نکره» آمده است، عمومیت آن را تقویت کرده و هرگونه نیرویی را شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۲۵)

البته در پاسخ به این مسأله که چرا بعد از ذکر کلمه "قُوَّةٍ" که مفهومی چنین گسترده دارد، مسأله‌ی اسب‌های ورزیده‌ی جنگی مطرح شده است؟ باید متذکر شویم که آیه‌ی فوق در عین این‌که یک دستور وسیع برای همه‌ی قرن‌ها و عصرها بیان نموده، دستور خاصی هم برای عصر پیامبر<sup>(ص)</sup>، عصر نزول قرآن نیز بیان داشته است، در حقیقت این مفهوم کلی را با ذکر یک مثال روشن برای نیاز آن عصر و زمان پیاده کرده است، زیرا اسب اگرچه در میدان‌های جنگ امروز با وجود تانک‌ها و زره‌پوش‌ها و هواپیماها و هلی‌کوپترها نقش چندانی ندارد، ولی در آن عصر برای رزمندگان شجاع و پیشرو وسیله‌ی چابک و سریعی محسوب می‌شد.

### هدف نهایی، بازداشتن دشمنان خدا و خلق و حفظ آرامش جامعه

قرآن به دنبال این دستور اشاره به هدف منطقی و انسانی این موضوع می‌کند و می‌گوید هدف این نیست که مردم جهان و حتی ملت خود را با انواع سلاح‌های مخرب و ویرانگر بکشید، و آبادی‌ها و زمین‌ها را به ویرانی بکشانید، هدف این نیست که سرزمین‌ها و اموال دیگران را تصاحب کنید، و هدف این نیست که اصول بردگی و استعمار را در جهان گسترش دهید، بلکه هدف این است که "با این وسایل دشمن خدا و خود را بترسانید؛ تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ؛" زیرا غالب دشمنان گوش‌شان بدهکار حرف حساب و منطوق و اصول انسانی نیست، آنها چیزی جز منطق زور نمی‌فهمند! اگر مسلمانان ضعیف باشند، همه‌گونه تحمیلات به آنها می‌شود، اما هنگامی که کسب قدرت کافی کنند، دشمنان حق و عدالت و دشمنان استقلال و آزادی به وحشت می‌افتند و پا از حدود خود فراتر نخواهند گذاشت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۲۶)

جالب توجه این‌که کلمه‌ی "عَدُوَّ اللَّهِ" را با "عَدُوَّكُمْ" قرین ساخته تا اشاره کند به این‌که در موضوع جهاد و دفاع اسلامی اغراض شخصی مطرح نیست، بلکه هدف حفظ مکتب انسانی اسلام است، آنها که دشمنی‌شان با شما شکلی از دشمنی با خدا، یعنی دشمنی با حق و عدالت و ایمان و توحید و برنامه‌های انسانی دارد، باید در این زمینه‌ها هدف حملات یا دفاع شما باشند.

در حقیقت این تعبیر شبیه تعبیر "فِي سَبِيلِ اللَّهِ" و یا "جِهَادٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ" است که نشان می‌دهد جهاد و دفاع اسلامی نه به شکل کشورگشایی سلاطین پیشین، و نه توسعه‌طلبی استعمارگران و امپریالیست‌های امروز، و نه به صورت غارتگری قبایل عرب جاهلی است، بلکه همه برای خدا و در راه خدا و در مسیر احیای حق و عدالت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۲۷)

### سربازی حرفه‌ای و تمهید عِدَّة و عُدَّة

نکته‌ی دیگری که از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود و پاسخگوی بسیاری از سؤالات و ایرادهای خرده‌گیران و افراد ناآگاه خواهد بود، شکل، هدف و برنامه‌ی جهاد اسلامی است. این آیه به روشنی می‌گوید که هدف این نیست تا انسان‌ها را به کشتن دهید و هدف این نیست که

به حقوق دیگران تجاوز کنید، بلکه همان‌طور که گفتیم، هدف اصلی این است که دشمنان بترسند و به شما تجاوز نکنند و زور نگویند، و تمام تلاش و کوشش شما باید در کوتاه کردن شرّ دشمنان خدا و حق و عدالت خلاصه شود.

آیا مخالفان یک چنین تصویری از جهاد اسلامی را که قرآن با صراحت در آیه‌ی فوق آورده، در ذهن خود ترسیم کرده‌اند که پشت سر هم به این قانون اسلامی حمله می‌کنند؛ گاهی می‌گویند اسلام آئین شمشیر است، و گاهی می‌گویند اسلام برای تحمیل عقیده متوسل به اسلحه شده است، و گاهی پیامبر اسلام را با سایر کشورگشایان تاریخ مقایسه می‌کنند! به عقیده‌ی ما جواب همه‌ی این‌گونه ایرادها آن است که به قرآن باز گردند و در هدف نهایی این برنامه بیندیشند تا همه چیز بر آنها روشن شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۳۰)

پس با توجه به آنچه که از آیات قرآن بیان شد، و با توجه به پیشرفت‌های جهانی در زمینه‌ی تسلیحاتی و نظامی، بر ما واجب است تا با تاسی از رهنمون‌های قرآن کریم و هم‌چنین سیره‌ی پیامبر اکرم (ص)، به‌سوی نظامی شدن از نوع حرفه‌ای آن حرکت کنیم تا بدین وسیله از اسلام عزیز و هم‌چنین اقتدارمان دفاع کنیم.

#### چگونگی خدمت سربازی از منظر نهج‌البلاغه

##### اهمیت نظامیان و لزوم رسیدگی به آنان

امام علی (ع) در عهدنامه‌ی خود به مالک اشتر، در تقسیم‌بندی افراد جامعه، ابتدا از «نظامیان» نام می‌برد و بر اهمیت و نقش آنها در جامعه و ضرورت رسیدگی حکومت به این گروه تأکید نموده است. در این نامه چنین آمده است: «ای مالک، بدان! مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد و هیچ‌یک از گروه‌ها از گروه دیگری بی‌نیاز نیست. از آن قشرها، لشکریان خدا و ... می‌باشند که برای هر یک خداوند سهمی مقرر داشته و مقدر واجب آن را در قرآن و سنت پیامبر (ص) تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است. پس سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین و راه‌های تحقق امنیت کشورند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد و پایداری سپاهیان جز به

خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود تا با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای اصلاح امور خود به آن تکیه کنند و نیازهایشان را برطرف کنند... برای تمام اقشار گوناگون یاد شده در پیشگاه خداوند گشایش است و همه‌ی آنها به مقداری که امورشان اصلاح شود، بر زمامدار حقیقی مشخص دارند...» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳)

نیروی نظامی هر کشوری در دفاع از مرز و بوم و عزت و استقلال آن، نقشی تعیین‌کننده دارد، علی<sup>(ع)</sup> طرفدار تشکیل یک نیروی نظامی یا ارتش قوی، آموزش‌دیده و مجهز است. از این رو، امام<sup>(ع)</sup> به فرماندهان نظامی دستور می‌دهد تا از یک طرف، شیوه‌ی جنگیدن و فنون رزمی را به سپاهیان آموزش دهند و از سوی دیگر، توان روحی آنها را بالا ببرند و آنها را به فداکاری و شهادت‌طلبی تشویق کنند؛ چرا که اگر ارتشی، هم آموزش‌دیده باشد و هم از خودگذشته، هرگز دچار شکست نخواهد شد. امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> در زمینه‌ی شیوه‌های کارزار و چگونگی جنگ و از جمله، آرایش نظامی، نگهبانی، شناسایی، گردآوری اطلاعات، پرهیز از اختلاف و انجام عملیات گروهی چنین سفارش می‌کند: «پس هرگاه با دشمن خود روبرو شدید، یا دشمن با شما برخورد کرد، بایستی پایگاه لشکریان خود را در بلندی‌ها یا دامنه‌ی کوه‌ها یا در کناره‌ی رودخانه‌ها انتخاب کنید یا از دو سو پراکنده نباشید و برای خود در بلندی کوه‌ها و تپه‌ها دیده‌بانان و مراقبانی قرار دهید، تا دشمن از راهی که می‌ترسید و یا احساس امنیت کامل می‌کنید، به شما حمله نکند و بدانید که دیده‌بانان لشکر در صف مقدم جبهه هستند و این دیده‌بانان، جلوداران و خبرآوران هستند. از پراکندگی بپرهیزید، پس هنگامی که فرود آمدید، همگی فرود آید، و وقتی که کوچ نمودید، همگی کوچ کنید، و چون شب فرا رسید، نیزه‌ها را گرد آورید و خواب را نچشید، مگر اندک و یا به اندازه‌ی مزمزه کردن.» (ابن‌میشم، شرح نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۱۱)

بدین ترتیب، امام علی<sup>(ع)</sup> پیشرفته‌ترین فنون نظامی عصر خود را به سپاهیانش آموزش می‌دهد، اما تنها به این مرحله بسنده نمی‌کند، بلکه بر بالا بردن روحیه‌ی سربازان نیز سخت تأکید می‌کند؛ زیرا سپاه هر اندازه آموزش‌دیده و مجهز به سلاح‌های روز باشد، اما از

روحیه‌ی بالا برخوردار نباشد، کارآیی چندانی نخواهند داشت و این حقیقت، بارها به اثبات رسیده است. بر این اساس، امام<sup>(ع)</sup> به سربازانش سفارش می‌کند که در صحنه‌ی نبرد، کوچک‌ترین سستی از خود بروز ندهند و با قاطعیت، شجاعت، پایداری و از خودگذشتگی با دشمن نبرد کنند. او به گروهی از لشکریان در هنگام جنگ چنین می‌فرماید: «حقوق شمشیرها را بپردازید و پهلوها را به خاک برسانید و آوازه‌ها را بمیرانید (صدای دشمن را خفه کنید)». (ابن میثم، شرح نهج البلاغه، نامه‌ی ۱۶)

#### قواعد گزینش نظامیان

در همه‌جا شایسته‌گزینی هنر است، به‌ویژه در مورد نظامیان، آن هم نظامیانی که مناصب عالی دارند و نزدیک‌ترین افراد به زمامدارند که فرماندهی همه‌ی نیروها به دست اوست. در جای‌جای نهج‌البلاغه حضرت علی<sup>(ع)</sup> به ویژگی‌ها و اوصافی که برای گزینش سپاهیان لازم است، اشارت کرده است که این نشان از اهمیت بالای این امر در نگاه حضرت علی<sup>(ع)</sup> دارد. امام علی<sup>(ع)</sup> در نامه‌ی سیاسی و ارزشمند خود به مالک اشتر برای به‌کارگیری نظامیان چهار ویژگی را که از همه مهم‌تر است، چنین بر می‌شمارد: "... ثُمَّ الصَّقِّ بَدْوَى المُرُوَاتِ وَ الأَحْسَابِ، وَ أَهْلِ البُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَ السَّوَابِقِ الحَسَنَةِ؛ ثُمَّ أَهْلِ النَّجْدَةِ وَ الشَّجَاعَةِ" (سپس در بین نظامیان با خانواده‌های ریشه‌دار، دارای شخصیت حساب‌شده، خاندانی پارسا، و دارای سوابق نیکو و درخشان که دلاور و سلحشور و بخشنده می‌باشند، روابط نزدیک برقرار کن). (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳)

**امتیازات شخصیتی:** شخصیت هر کسی را می‌توان با افرادی شناخت که دوستان نزدیک و هم‌سفره و هم‌پیمالی اویند. زمامداری که با اشخاص بی‌مروت و بی‌شخصیت، معاشرت و رفت‌وآمد و شب‌نشینی دارد، هیچ ارزشی ندارد. به همین جهت است که امام علی<sup>(ع)</sup> از والی برگزیده و فرهیخته‌ی مصر می‌خواهد که با افراد متین و وزین و جوانمرد و متخلق به اخلاق حمیده درآمیزد و ارتش الهی خود را به نیروهای متشخص و لایق، زینت بخشد و بهترین‌ها را در رأس قرار دهد.

**امتیازات خانوادگی:** یکی دیگر از ویژگی‌هایی که حضرت علی<sup>(ع)</sup> برای گزینش نظامیان در نظر می‌گیرد، اصالت خانوادگی است. اصالت خانوادگی بسیار مهم است. کسانی که اصالت خانوادگی ندارند، قابل اعتماد نیستند، مگر این‌که در آزمون‌های مختلف، تشخیص و شایستگی خود را نشان داده باشند.

**حسن سابقه:** اگر چه ملاک شایستگی افراد، حسن فعلی است، ولی مادامی که شخصی خود را اصلاح نکرده است و بازگشت و توبه‌ی نصوص خود را از گذشته‌ی ننگین خود ثابت نکرده قابل اعتماد نیست؛ ولی آنهایی که سوابقی نیکو و پرونده‌ای پاک دارند و حسن سابقه را با حسن لاحق پیوند داده‌اند، درخور اعتماد هستند.

**دلاوری و قهرمانی:** واضح است که کسانی را باید به‌عنوان نیروی نظامی در نیروهای مسلح به‌کار گرفت که اسطوره‌ی شجاعت و دلیری، و قهرمان میادین نبرد و متخصص تاکتیک‌های رزمی باشند. اینها هستند که با جامعیت ملاک‌های شخصیتی و خانوادگی می‌توانند افتخارآفرینی کنند و عزت و استقلال ملت و مملکت را تضمین نمایند.

#### حقوق سربازان و منابع تأمین آن

نظامیان کسانی هستند که عزیزترین سرمایه‌ی خویش یعنی جانشان را در راه دین و امنیت جامعه‌ی اسلامی به خطر می‌اندازند. دلدادگی و سربازی آنها تا حد زیادی در گرو شخصیت و عملکرد فرماندهان می‌باشد. اگر فرمانده، خود را یکی از افراد سپاهی به‌حساب آورد و با توجه به نیازهای خرد و کلان آنها تلاش کند، چنین فرمانده‌ای امرش مطاع می‌گردد و سپاهیان با رغبت و علاقه به اجرای مأموریت‌ها می‌پردازند.

همواره یکی از دل‌مشغولی‌های مهم سربازان و نظامیان، وضعیت زن و فرزندان‌شان است که پشت سر خود رها کرده‌اند. اطمینان از وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنها به سرباز آرامش و آسودگی خاطر می‌دهد و او را در انجام وظیفه دلگرم می‌کند. حضرت علی<sup>(ع)</sup> در این خصوص به مالک اشتر می‌فرماید: «بایسته است که گزیده‌ترین سران لشکریانت در نزد تو کسی باشد که کمک و یاری خود را ارزانی نیروهایش کرده است و از بودجه‌ی خود، بی‌دریغ

به آنها ببخشند. به گونه‌ای که خانواده‌هایشان که پشت سر می‌گذارند و می‌روند، در آسایش کامل باشند تا در نبرد با دشمن به یک هدف بیندیشند، آری با گرایش معنوی تو به آنها، قلبشان به سوی تو می‌گراید.» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳)

امیر مؤمنان علی<sup>(ع)</sup> بین خود به عنوان رئیس حکومت و فرماندهی کل نیروهای مسلح و مردم به عنوان امت اسلامی و مجاهدان در راه خدا حقوق متقابل قائل است. هنگامی که حاکمیت، حقوق ملت و سربازان را تأمین کرد، پس بر آنهاست که وفادار و مطیع اوامر امام خویش باشند. آن حضرت چنین می‌فرماید: «از بنده‌ی خدا، علی بن ابیطالب، امیر مؤمنان به نیروهای مسلح و مرزداران کشور. پس از یاد خدا و درود، همانا بر زمامدار واجب است که اگر اموالی به دست آورد، یا نعمتی مخصوص او شد، دچار دگرگونی نشود، و با آن اموال و نعمت‌ها بیش‌تر به بنندگان خدا نزدیک، و به برادرانش مهربانی روا دارد. آگاه باشید! حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، و کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم، و در پرداخت حق شما کوتاهی نکرده، و در وقت تعیین شده، آن را بپردازم، و با همه‌ی شما به گونه‌ای مساوی رفتار کنم. پس وقتی من مسئولیت‌های یاد شده را انجام دهم، بر خداست که نعمت‌های خود را بر شما ارزانی دارد، و اطاعت من بر شما لازم است، و نباید از فرمان من سرپیچی کنید، و در انجام آنچه صلاح است، سستی ورزید، و در سختی‌ها برای رسیدن به حق تلاش کنید، حال اگر شما پایداری نکنید، خوارترین افراد نزد من انسان کج رفتار است که او را به سختی کیفر خواهم داد، و هیچ راه فرار نخواهد داشت. پس دستورالعمل‌های ضروری را از فرماندهانتان دریافت کرده، و از فرماندهان خود اطاعت کنید. با درود.» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۲: ۳۵۴)

ایشان در نامه‌ای دیگر خطاب به «اسود بن قطنه» این چنین می‌فرماید: «از بنده‌ی خدا امیر مؤمنان علی<sup>(ع)</sup> به اسود بن قطنه... سپاهیان را که به ما علاقمندند، فزونی بخش و برای آنها جیره و وجه کفافی معین مقرر دار، همانا فرزندان آنان را بر ما حقی است و در خانواده کسانی هستند (که در صورت ناخشنودی آنها) بیم نفرین از جانب‌شان می‌رود، در صورتی که آدمی باید با همگان به شایستگی رفتار کند.» (المنقری، بی تا: ۱۴۸)

امیرمؤمنان علی<sup>(ع)</sup> خطاب به نیروهای تحت امرش می‌فرماید: «از حقوق شما بر من این است که پرداخت حقوقتان را به تأخیر نیندازم و جز به پرداخت کاملش بسنده نکنم.» (معادیخواه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۵۱)

حضرت علی<sup>(ع)</sup> رابطه‌ی بین خود و لشکریانش را رابطه‌ای نظام‌مند و مبتنی بر حقوقی متقابل دانسته است که چون حقوق لشکریان بر حاکم تأمین شد، آنها هیچ‌گونه توجیهی برای سرپیچی نخواهند داشت و سرپیچی آنان خیانت محسوب خواهد شد.

بر اساس فرازی از عهدنامه‌ی مالک اشتر به شرح زیر، امام علی<sup>(ع)</sup> درآمد و هزینه‌ی لشکریان را صرفاً از محل خراج جایز دانسته‌اند. «کار سپاهیان و دوام آنها جز با خراجی که خداوند برای‌شان مقرر فرموده، تأمین نمی‌گردد تا بدان وسیله در جهاد با دشمن خود نیرومند شوند و کار خود را بدان سامان دهند.» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳)

با آن حضرت پس از پیروزی در جنگ جمل، بیت‌المال بصره را گشود که در آن ششصد هزار درهم یافت، تمامی آن را بین لشکریان تقسیم کرد که به هر یک پانصد درهم رسید، سپس فرمود: «اگر خداوند مرا بر شام پیروز گرداند، همین مقدار به اضافه‌ی مقرری خود خواهید داشت.» (قاسم‌پور، ۱۳۸۲: ۴۳)

#### عدم اجبار به نظامی‌گری و تأیید و تأکید سربازی حرفه‌ای

آنچه از نهج‌البلاغه نقل شد، در شیوه‌های گزینش سرباز، تأمین نیازهای مالی سربازان و خانواده‌های‌شان و ... همه بیانگر تأکید امام علی<sup>(ع)</sup> بر سربازی حرفه‌ای است. زیرا توصیه به بهره‌گیری از سربازان داوطلب و عدم اجبار افراد در وارد شدن به یک نبرد عقیدتی که هدفی والا و الهی را دنبال می‌کند، در کلام حضرت مورد توجه و عنایت بوده است. چه این‌که در دستیابی به اهداف مقدس، چیزی که بیش از هر امری تعیین‌کننده است، میل و گرایش درونی و باور افراد به اهداف مورد نظر است. با توجه به این ملاک است که حضرت می‌فرمایند: «... آن کس که از جنگ کراهت دارد، بهتر است که شرکت نداشته باشد و شرکت نکردنش از یاری کردن اجباری بهتر است...» (دشتی و همکاران، ۱۳۷۶:



۴۸۴) امام علی<sup>(ع)</sup> در این نامه بر بسیج نیروهایی تأکید می‌ورزد که از روی انگیزه و آگاهی بجنگند؛ یعنی جزو شیعیان و علاقمندان او باشند و در حقیقت، نظری به بسیج همه‌جانبه‌ی مردم ندارد؛ زیرا آن حضرت به دنبال سپاهسانی بود که با بصیرت و آگاهی بجنگند و اعتقادی به کثرت و کمیت نیروها نداشت.

در جنگ بیش از هر چیز بایستی به توجیه و آگاه‌سازی رزمنده پرداخت، به نحوی که با کمال میل و با تمام وجود آماده‌ی فداکاری در میدان نبرد باشد. در غیر این صورت، حضور او ممکن است فقط موجب سنگین شدن هزینه‌های جنگ و افزایش تلفات و تضعیف روحیه‌ی دیگران گردد. مصداق بارز کارآمدی نیروهای داوطلب، دفاع هشت ساله دلاور مردان بسیجی است که به وضوح و به اذعان دوست و دشمن، برتری داوطلبان را بر نیروهای فاقد انگیزه و مجبور، اثبات می‌کند. (دشتی و همکاران، ۱۳۷۶: ۵۴۶)

#### نتیجه‌گیری

این مقاله که با عنوان «خدمت سربازی ایده‌آل از منظر قرآن و نهج البلاغه» تدوین شده است، به این سؤال پاسخ می‌دهد که نظر قرآن و نهج البلاغه درباره‌ی خدمت سربازی به شکلی که هم‌اکنون در کشور ما اجرا می‌شود، چیست؟ و آیا چنین چیزی اساساً «مقدس» هست یا خیر؟ بر اساس آیات الهی که با بررسی تفاسیر کلام الهی توصیف و تحلیل شده است و نیز بررسی نهج البلاغه کلام امام علی<sup>(ع)</sup> این نتیجه به دست آمد که سربازی به شکل حرفه‌ای مورد تأیید قرآن و نهج البلاغه می‌باشد. آنچه از تشویق و تحریض قرآن مبنی بر مجهز شدن به جدیدترین فناوری‌ها در زمینه‌های تسلیحاتی و نظامی و هم‌چنین به کارگیری و آموزش نیروهای نظامی کارآمد و حرفه‌ای و نیز از توصیه‌های امام علی<sup>(ع)</sup> در گزینش نظامیان و رسیدگی به حقوق مادی و معنوی آنها و فراتر از همه‌ی اینها، رسیدگی به حقوق خانواده‌هایشان برمی‌آید، لزوم به کارگیری سربازان حرفه‌ای است. قرآن کریم جهاد داوطلبانه با مال و جان را در مسیر آرمان‌های انسانی و الهی مقدس دانسته و تمجید می‌نماید. قرآن رشادت علمی و جسمی را از شرایط

نظامی‌گری می‌داند، و امام علی<sup>(ع)</sup> نیز اصالت فردی و خانوادگی و شجاعت و قوت جسمی را از شرایط افراد نظامی می‌دانند که این همه از مجرای سربازی اجباری به‌دست نمی‌آید، بلکه با تمهید نوع حرفه‌ای آن میسر است؛ زیرا در سربازی حرفه‌ای است که بررسی، آزمون و گزینش مفهوم پیدا می‌کند.

### منابع

#### فارسی

- ۱- «قرآن کریم»، ترجمه‌ی مکارم شیرازی.
- ۲- «نهج البلاغه» (بی تا)، تصحیح: صبحی صالح، قم: انتشارات دارالهیجره.
- ۳- دشتی، محمد (۱۳۷۹ش)، «ترجمه‌ی نهج البلاغه‌ی امام علی (ع)»، قم: انتشارات مشهور.
- ۴- ابن میثم بحرانی (۱۴۰۴ق)، «شرح نهج البلاغه»، مصر: دفتر نشر الکتاب، ج ۲.
- ۵- المنقری، نصرین مزاحم (بی تا)، «وقعة الصفین»، قم: منشورات مکتبه مرعشی نجفی، ج ۲.
- ۶- دشتی، محمد و همکاران (۱۳۷۶ش)، «فرهنگ معارف نهج البلاغه» (دو جلد)، قم: مؤسسه‌ی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ج ۱.
- ۷- دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۲ش)، (الف)، «مجموعه گزارش‌های کارشناسی درباره‌ی طرح خدمت وظیفه عمومی»، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۸- دیده‌بان پایش فناوری و نوآوری دفاعی (۱۳۸۳ش)، «سرباز آینده»، سال اول، شماره‌ی ۱.
- ۹- روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۳۰ آبان ۱۳۶۸ش، شماره‌ی ۱۱، ص ۱۲.
- ۱۰- سینائی، وحید (۱۳۹۰ش)، «بررسی تأثیر استراتژی‌ها و فناوری‌های نوین در تحول نظام وظیفه به ارتش حرفه‌ای»، فصلنامه‌ی سیاست، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، تابستان، شماره‌ی ۲.
- ۱۱- طالقانی، حسین (۱۳۸۱ش)، «بررسی کاستی‌های قوانین و مقررات خدمت نظام وظیفه عمومی»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۱۲- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، ج ۵.
- ۱۳- طبرسی فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، «مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن»، تحقیق: با مقدمه‌ی محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ج ۳.

- ۱۴- قاسم‌پور، احمد (۱۳۸۲ش)، «فن، هنر و اصول جنگ از نظر امام علی<sup>(ع)</sup>»، مجموعه مقالات همایش نظامی‌گری در سیره و کلام امیرمؤمنان علی<sup>(ع)</sup>، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup>.
- ۱۵- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش)، «تفسیر قمی»، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتاب، چ ۴.
- ۱۶- کروی، محمدتقی (۱۳۸۲ش)، «جستاری بر طرح خدمت نظام وظیفه عمومی»، مطالعات جوانان، سال اول، شماره‌ی ۳.
- ۱۷- گری، کریس هیبلز (۱۳۸۱ش)، «جنگ پست مدرن»، ترجمه‌ی احمدرضا تقاه، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.
- ۱۸- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴ش)، «جامعه‌شناسی»، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۱۹- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲ش)، «بحارالانوار»، بیروت: انتشارات وفا.
- ۲۰- معادینخواه، عبدالمجید (۱۳۷۲ش)، «فرهنگ آفتاب»، تهران: کارگاه نقش، چ ۱.
- ۲۱- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چ ۱.
- ۲۲- نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۹۸ق)، «تفسیر آسان»، تهران: انتشارات اسلامیه، چ ۱.